

مقدمه بلکل که اولاً کلمه اوج فسمه منفی اسم  
 و فعل و حرف آتا اسم فعلی یکی فسمه  
 بری مشتق و بری غیر مشتق که اکا اسم جامد در  
 اسم مشتق لغت فریده اسم فاعل در **مثلاً** گفته  
 که و اسم مفعول در **مثلاً** کرده که و صفت مشبهه  
 و در آتا یکی و مصدر و در کرده یکی و ملزم و عدا  
 غیر مشتق فعل فعلی در ت فسمه بری فعلی  
 کرده و بری فعل مضارع کند و بری امر کن  
 و بری نهی مکن که و بونکرک ملزم بری یکیش  
 فسمه ماضی مثبت ماضی منفی مضارع مثبت مضارع  
 منفی امر حاضر و نهی حاضر امر غائب و نهی غائب  
 جمله سی سکر اول که ماضی مثبت **مثلاً** کرده و ماضی منفی  
 نکرده یکی مضارع مثبت کند و مضارع منفی کنی فسمه  
 بری نفی حال نمی کند و بری نفی استقبال نکند که امری  
 بری امر حاضر کن و بری نهی حاضر مکن که و گذرک  
 امر غائب بکند و نکند که **الفصل الاول فی الماضی**

فعل

فعل ماضی مصدر و نه مشتق و بعضی عسکن اعتبار  
 انتملر یعنی مصدری ماضی اخذ تشرط بری  
 اشتقاقی اولدر که مصدر ک اخذده او تان  
 نوز مصدر تبه با حذف و ماضی ساکن قلوب  
**مثلاً** کرده و نه مشتق مصدر لرر ماضی لرر  
 کرده و نه و برر بوماضی مثبت اولدر بر نوز نافیله  
 مفتوحه کتور و ب منفی ایدر لر یعنی جمده مطلق اولور  
 نکرده که و مفرد غائبک جمعده کرک مثبت کرک  
 منفی فاعله اولور که آخری و ماضی بر نون  
 ساکنه و وال ساکنه الحاق ایدوب **مثلاً** کرده و نکرده  
 جمعده کرده نکرده و برر و نهی مفرد مخاطبده  
 فاعله مفرد غائبک آخری مکسور و ماضی  
 بر باد ساکنه الحاق ایدوب کرده و نکرده و برر  
 و جمعده فاعله آخری بر وال ساکنه زیاده ایدوب  
 کرده و نکرده و برر و نهی نفس متکلم و حده فاعله  
 مفرد غائبک آخری بر مضم زیاده ایدوب ماضی